

مجله مطالعات ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال چهاردهم، شماره بیست و هشتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴

نقش اعداد در آیین‌های گذر ایرانی (با تکیه بر فرهنگ گیلان، آمل، تالش، بروجرد، لرستان، خراسان، و ایزدخواست)*

لیلا احمدی

دانشجوی دکترای شرق‌شناسی دانشگاه کلن آلمان

چکیده

اگر کمی دقیق‌تر به محیط پیرامون خود نگاه کنیم به حضور انکارناپذیر و پررنگ اعداد در زندگی روزمره، آیین‌ها، و اعتقادات خود برمی‌خوریم. شمار را می‌توان در تمامی جنبه‌های زندگی ایرانیان اعم از زندگی روستایی یا حتی شهری یافت. برخی از این اعداد پیوندی دیرینه با باورهای ما دارند و ریشه‌شناسی آنها ما را با دلایل مقبولیت و رواج آنها آشنا می‌سازد. این دلایل گاه دینی و گاه اسطوره‌ای می‌باشند. در این مقاله سعی بر آن است که حضور اعداد در آیین‌ها و آداب و رسومی که در سرزمین پهناور ایران اجرا می‌شده یا می‌شوند و به طور ویژه در آیین‌های گذر بررسی گردد. منظور از آیین‌های گذر آن دسته از رسومی است که گذار از مرحله‌ای به مرحله‌ای دیگر در زندگی انسان را ممکن می‌سازند. این مراحل شامل تولد، ازدواج و مرگ می‌شوند و در مقاله پیش‌رو نیز آیین‌های گذر مربوط به این سه مرحله تحت بررسی قرار گرفته‌اند. پس از شناسایی اعداد، ریشه اهمیت آنها و دلیل تداومشان در طول تاریخ بررسی می‌گردد.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۴/۸/۱۷

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱/۱۸

lahmadi@smail.unikoeln.de

نشانی پست الکترونیک نویسنده:

این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و با بررسی منابع و کتب مربوط به آداب و رسوم شهرهای گیلان، آمل، تالشان، بروجرد، لرستان، خراسان، و ایزدخواست صورت گرفته است.

واژه‌های کلیدی: اعداد، آیین، آیین‌های گذر، تولد، ازدواج، مرگ

۱. مقدمه

در بیشتر فرهنگ‌های کهن، اعداد، نماد مفاهیم متعددی واقع شده‌اند. فرهنگ ایران نیز از این مقوله جدا نیست. از طرف دیگر بشر همواره از آغاز حیات خویش به صورت گروهی زندگی کرده و برای زیست و بقا در این زندگی جمعی، لازم بوده به اجرای یک سری مناسک خاص در مراحل مشخصی از زندگی خویش پردازد تا مورد قبول اجتماع واقع شود و یا به اعمال خود تقدس بخشد. در اینجا است که ما به حضور اعداد در این گونه آیین‌های اجتماعی برمی‌خوریم که اهمیت آنها بدان پایه است که در بسیاری از آداب و رسوم در نواحی مختلف کشور مشاهده می‌شوند.

۱-۱. بیان مسئله

تولد، ازدواج و مرگ از پیدایش حیات بشر تا امروز از مهم‌ترین مراحل زندگی وی به شمار می‌آمده‌اند. دلیلش آن است که انسان برای بقای خود و طی نیاز طبیعی انسانی خویش، تولید مثل می‌کند و نوزاد را حیات می‌بخشد و برای حفظ و به رسمیت شناختن او به انجام آیین‌های خاصی مبادرت می‌ورزد. ازدواج نیز جزئی جداناپذیر از وجود انسان و بخشی از غرایز فطری اوست و برای رسمیت بخشیدن به این گزینه و اتحاد دو انسان، هر جامعه تعدادی آیین‌های خاص را ایجاد کرده است؛ همچنین مرگ نهایت وجود زمینی هر فرد است و از دست دادن این وجود مادی برای عزیزان فرد دشوار؛ به همین دلیل در فرهنگ عامه به نمونه‌های بسیاری از آیین‌های مرگ نیز برمی‌خوریم. سه مرحله ذکر شده به انسان هویت بخشیده و به دلیل اهمیت بالای خود همراه با آیین‌ها و مراسم خاص بوده است. آیین‌های مذکور گذار از یک مرحله زندگی به مرحله دیگر و به نوعی تکامل را برای فرد میسر می‌ساخته است؛ به همین دلیل به آن دسته از آداب و رسومی که در این گونه رویدادها انجام می‌پذیرد، آیین‌های گذر اطلاق می‌شود. به گفته میرچا الیاده آیین‌ها و نمادگرایی‌های گذر، بعد متفاوتی از انسان را از نظر می‌گذرانند؛ به این صورت که انسان با گذر از وضع غیر کامل جنینی به

وضع کامل و بلوغ، انسان کاملی می‌شود. می‌توان این‌طور در نظر گرفت که وجود انسان تکامل را در مجموعه‌ای از آیین‌های گذر به دست می‌آورد (الیاده، ۱۳۷۵: ۱۳۴).

در مقاله پیش رو پژوهشگر سعی نموده به این پرسش پاسخ دهد که در فرهنگ عامیانه ایران و به‌طور ویژه، در آیین‌های گذر (تولد، ازدواج و مرگ) کدام اعداد حضور پررنگ‌تری دارند و دلیل و ریشه این اهمیت به کجا باز می‌گردد؟

از آنجایی که بررسی آداب و رسوم سراسر ایران حجم کار را از قالب یک مقاله خارج می‌کرد، تعداد شهرهای مورد بررسی محدود شدند. نگارنده برای به دست آوردن جامعیت نسبی، شهرها را بر اساس چهار موقعیت تقریبی جغرافیایی، شامل شمال ایران (گیلان، آمل، تالش)، جنوب (ایزدخواست)، شرق (خراسان) و غرب (بروجرد، لرستان) انتخاب نمود. سعی بر آن بوده شهرهایی انتخاب گردند که در ناحیه مورد بررسی، پایندی بیشتری به فرهنگ عامه داشته باشند.

در این مقاله اعداد به ترتیب شمار آورده شده‌اند. ابتدا تقدس یک عدد در باورهای ایرانیان باستان (در برخی موارد و به تناسب ضرورت در باورهای ملل دیگر) ذکر شده و سپس یافته‌ها و تحلیل مؤلف از آیین‌های گذر امروزه ایرانی مرتبط با آن عدد (به ترتیب: آیین‌های نازایی، زایمان و تولد و ازدواج و مرگ) آورده شده است.

۱-۲. ضرورت و اهمیت پژوهش

در فرهنگ‌ها و مذاهب بشری، اعداد غالباً مفاهیم نمادین و بااهمیتی را منعکس می‌کنند. این مقاله از این جهت حائز اهمیت می‌باشد که به بررسی این مفاهیم نمادین در آن دسته از آیین‌هایی می‌پردازد که با رشد و روند تکامل وجودی انسان پیوند دارند. هدف از انجام این پژوهش، شناخت هرچه بیشتر فرهنگ عامیانه ایران و بررسی معنای نمادین این اعداد می‌باشد.

۱-۳. پیشینه پژوهش

در زمینه اهمیت اعداد در فرهنگ‌های مختلف و نیز فرهنگ ایرانی پژوهش‌هایی صورت گرفته است. به عنوان مثال آنه ماری شیمل در کتاب خود با عنوان *راز اعداد*، به بررسی مفهوم اعداد در فرهنگ‌های گوناگون و نیز در فرهنگ ایرانی و اسلامی پرداخته است، اما این اثر، پژوهشی در زمینه فرهنگ عامه به حساب نمی‌آید و در نتیجه آیین‌های مرتبط با اعداد بسیار کم در آن دیده می‌شود.

آرش نورآقایی نیز در کتابی تحت عنوان *عدد، نماد، اسطوره*، اعداد مهم در اساطیر و فرهنگ ملل مختلف را با مصادیق آنها مشخص کرده است. در این اثر نیز همچون کتاب راز اعداد، نشانی از بررسی اعداد در فرهنگ عامه یافت نمی‌شود.

محمد اسدیان در زمینه فرهنگ عامه و آیین‌های گذر پژوهش نموده و در کتابی تحت عنوان *آیین‌های گذر در ایران* به بررسی این گونه آیین‌ها پرداخته است. در جای جای کتاب هنگامی که به مشابهت‌هایی بین آداب و رسوم ایرانی و غیرایرانی از جمله ژاپنی، یونانی و... برمی‌خوریم، نویسنده به ذکر کامل آیین‌های مذکور و ریشه‌هایشان می‌پردازد. این کتاب از لحاظ بررسی آیین‌های گذر، اثری ارزشمند می‌باشد، اما به طور ویژه به بررسی اعداد در آیین‌های گذر نپرداخته است.

علاوه بر موارد ذکر شده، مقالات و کتب دیگری نیز در این خصوص چاپ شده‌اند:

هفت در قلمرو فرهنگ و تمدن بشری، تالیف زهره والی، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۹.

رمز و راز عدد دوازده، دانستی‌ها، دوره هفدهم، شماره ۷ (فروردین ۱۳۷۵).
چهل در فرهنگ و تمدن اسلامی، ابراهیم موسی‌پور، تهران: کتاب مرجع، ۱۳۸۹.

همان‌طور که اشاره شد، پژوهش‌های نسبتاً زیادی در مورد بررسی اعداد در ایران باستان صورت گرفته است، اما تفاوت این مقاله با کارهای پیشین به تأکید آن بر فرهنگ عامه بازمی‌گردد. این مقاله با بررسی نقش و حضور اعداد در فرهنگ عامه و به طور خاص آیین‌های گذر روشن می‌سازد دقیقاً کدام اعداد در آیین‌های ایرانی تولید، ازدواج و مرگ نقش مهم‌تری ایفا می‌کرده‌اند. نتیجه این مقاله به ما کمک می‌نماید تا درک بهتری از ریشه بسیاری از آیین‌هایی پیدا کنیم که در طی زندگی شخصی خود بارها و بارها به اجرای آنها می‌پردازیم.

۲. بحث

۲-۱. بررسی اعداد در آیین‌های گذر ایرانی

۲-۱-۱. عدد ۳

روانشناسان معتقدند عدد ۳، صدمه‌ای را که دو با تقسیم ایجاد کرده، جبران می‌کند. به این معنی که وحدانیت عدد یک با تقسیم، به دو تبدیل شده و این یک

نقص و جدایی به حساب می‌آید، اما عدد ۳ با اضافه نمودن یک رقم، این تقسیم و صدمه را جبران می‌نماید. (شیمل، ۱۳۸۸: ۷۲)

این عدد در متون باستانی بسیار تکرار و به نوعی تقدیس شده است. در فرهنگ ایرانیان باستان، شاهان مغ که به دیدار مسیح رفتند ۳ تن بودند. این عدد در ۳ جمله رمز دین باستان ایران، زرتشتی، قابل مشاهده است: پندار نیک، گفتار نیک، و کردار نیک (همان: ۶۶۴). زرتشتیان در مراسم آیینی گرفتن شیره گیاه مقدس هوم، ۳ بار آب تقدیس شده را روی شیره هوم ریخته، نیز هاون فلزی را ۳ بار به نشانه اندیشه نیک، کردار نیک و گفتار نیک می‌کوبند (هینلز، ۱۳۸۳: ۱۸۲). باید در نظر داشت تقدس اعداد اول تک‌رقمی همانند دو، سه، پنج، و هفت باعث تقدس ضرایب آنها نیز می‌گردد؛ به عنوان مثال تقدس عدد سه، باعث تقدس ضرایب آن یعنی شش، نه، پانزده و بیست و یک شده است.

چون کودک زاده می‌شود برای حفظ او از دیوان و جادوان و پریان باید به مدت ۳ روز از شب تا صبح آتش روشن کرد (مزدایور، ۱۳۶: ۱۵۵)؛ اما این حضور تنها به اسطوره‌ها و متون پهلوی محدود نشده، بلکه بعدها به آیین‌های مردمی و به‌خصوص آیین‌های گذر که در زندگی تک تک افراد رایج است، راه می‌یابد و تداوم خود را تا به این دوره حفظ می‌کند.

برای درمان نازایی با تکرار اعمال مختلف به مدت ۳ بار از تقدس این عدد کمک می‌گرفتند. برای نمونه زن نازا به دباغ‌خانه می‌رود، ۳ مرتبه از روی تغار دباغی پریده و در نوبت سوم چند قطره از محلول آب آهک درون تغار می‌نوشد (شکورزاده: ۱۲۱). مردم هم تکرار عملی به مدت ۳ بار در یک نوبت و هم تکرار آن به مدت ۳ روز را در این کار مؤثر می‌دانستند.

حضور عدد ۳ در آیین‌های تولد بیشتر مربوط به سومین روز پس از تولد نوزاد است؛ به عنوان نمونه آیین گهواره‌بندان، نام‌گذاری کودک و یا چله‌بران در سومین روز انجام می‌گیرد. در ایزدخواست، تا روز سوم، ماما پوشاک زائو و نوزاد را که دواچی نام داشت می‌شست و روز سوم زائو را چله‌بری می‌کرد (رنجبر و غیره، ۱۳۷۳: ۳۲۴).

از این عدد برای دور کردن بلا از سر نوزاد نیز استفاده می‌شده، تا با باورهایی که رنگ جادویی دارد کودک را عمر طولانی بخشند؛ به عنوان مثال در روستاهای تالش‌نشین، پس از خواباندن کودک در گهواره، ۳ عدد تخم مرغ را در یک کاسه آب می‌نهند و زیر گهواره می‌گذاشتند تا نوزاد از آسیب چشم‌زخم در امان باشد (عبدلی، ۱۳۶۹: ۱۱۰).

قداست انجام یک عمل به مدت ۳ بار در مراسم ازدواج نیز دیده می‌شود و ظاهراً شگون و میمنت با خود به همراه دارد. بیشترین تکرار عملی مقدس یا توسط خود عروس و یا بر روی وی انجام می‌شود. نمونه آن در ویشکانک واقع در رشت است که داماد ۳ بار روبنده عروس را بالا زده، سپس پایین می‌انداخت. پس از آن عروس با یک گلاب‌پاش که از خانه پدرش آورده بود ۳ بار بر داماد گلاب می‌پاشید (بشرا و غیره، ۱۳۸۹: ۸۸).

بیشترین موردی که در آیین‌های مربوط به مرگ در بیشتر نقاط ایران دیده می‌شود، انجام مراسم ۳ روز پس از مرگ متوفی است. این رسم تا به حال نیز تداوم داشته است. معمولاً مراسم ختم، ۳ روز پس از فوت انجام می‌شود. تا ۳ روز متوفی را در مزار تنها نمی‌گذارند و خویشان بازماندگان را تا ۳ روز همراهی می‌کنند. در لرستان پس از دفن مرده تا ۳ شب متوالی بر سر خاک او آتش روشن می‌کنند (اسدیان، ۱۳۸۴: ۱۲۱). رسم آتش‌افروزی تا ۳ روز بر مزار فرد فوت شده ظاهراً از رسوم زرتشتی بسیار کهن است؛ چراکه اعتقاد دارند روح مرده تا ۳ روز، محل فوت را ترک نمی‌کند. در فرگرد دوم و سوم هادخت‌نسک در این مورد آمده است که روان انسان چه نیکوکار و چه گنه‌کار - پس از مرگ ۳ شب بر روی زمین و کنار جسد می‌ماند و نزدیک سر می‌نشیند (میرفخرایی، ۱۳۷۱: ۷۱ تا ۷۶). در بندهش آمده است هنگامی که شخصی فوت کند، تا ۳ شب ویزرش دیو و دیگر دیوان به او حمله می‌کنند و او پشت به آتش کرده، نمی‌گذارد دیوان به او بتازند؛ به همین دلیل است که تا ۳ شب باید در کنار سر او آتش روشن دارند (بهار، ۱۳۷۵: ۳۳۶ تا ۳۳۹)؛ همچنین در سنت دفن و کفن مرده در لرستان، مرسوم است که تابوت را ۳ مرتبه تا رسیدن به گورستان زمین می‌گذارند و سپس بلند می‌کنند و یا ۳ مرتبه دور خانه متوفی می‌گردانند (شادابی، ۱۳۷۷: ۱۱۰).

از آیین‌های مرتبط با عدد ۳، می‌توان دریافت عدد ۳، به نوعی تکمیل‌کننده عدد دو است و کاری که در روز سوم صورت می‌پذیرد و عملی که برای سومین بار انجام می‌شود نقص عدد دو را کامل می‌کند و اطمینانی برای درست اجرا شدن آن عمل و نیک بودن سرانجام آن به حساب می‌آید. عدد ۳ به کرات در آیین‌های مذهبی ایرانیان باستان و نیز در اسطوره‌های ایرانی مشاهده شده است. در این مورد می‌توانید به مقاله مفصل دکتر خیرالله محمودی با عنوان «جایگاه عدد ۳ در آیین‌ها و فرهنگ ایرانیان باستان»^۱ مراجعه کنید. ۳ را شاید بتوان از اعدادی دانست که بیشترین تکرار را در فرهنگ عامیانه و آیین‌های گذر ایرانی داشته است و از آنجایی که حضور پررنگ آن در اساطیر ایرانی و فرهنگ ایرانیان باستان دیده

می‌شود، محتمل است از این طریق به آیین‌ها راه یافته و به دلیل پشتوانه محکم اعتقادی، دوام خود را تا به امروز حفظ کرده باشد.

۲-۱-۲. عدد ۴

عدد چهار یکی از کامل‌ترین اعداد است. این عدد را عدد نظم کیهانی دانسته‌اند؛ عددی که به بی‌نظمی و کثرت آشفتنه موجود در جهان نظم می‌بخشد و آنها را به اشکال ثابت و منظم تبدیل می‌کند.

شیمیل معتقد است در کتاب‌های مقدس این اعتقاد دیده می‌شود که احتمالاً اولین انسان‌ها چهار تشکل ماه-هلال، ترییع اول، بدر و ترییع دوم- را مشاهده کرده، به این طریق از ماه برای تنظیم زمان استفاده می‌نمودند. (۱۳۸۸: ۹۹) از این رو شاید انسان‌ها به نوعی تمامیت ماه را پس از چهار مرحله ناظر بوده، در نتیجه مفهوم کمال مرتبط با عدد چهار را بسط داده‌اند.

تقسیم سال به چهار فصل، اعتقاد به چهار دوره زمانی و چهار عنصر، نمونه‌هایی از این نظم کیهانی به حساب می‌آیند. از قرن‌های دور از عدد چهار برای بیان آنچه مستحکم، ملموس و محسوس است، استفاده می‌شد (شوالیه و دیگران/۲: ۵۵۱). عدد چهار و مفهوم کلیت و کمال آن در اساطیر و باورهای ایرانیان باستان نیز دیده می‌شود. برای نمونه، زرتشتیان در مراسم آیینی یسنا، گیاه هوم را چهار بار می‌سایند (هینلز، ۱۳۸۳: ۱۸۲). در اساطیر ایرانی، مجموع جهان مادی و دنیوی به چهار دوره ۳ هزارساله تقسیم‌بندی شده است (آموزگار، ۱۳۸۸: ۱۳)؛ همچنین در بهمن یسن آمده است که اورمزد به زرتشت درختی با یک ریشه و چهار شاخه نشان می‌دهد که اشاره به چهار دوره زمانی تا رسیدن فرگرد دارد. (بهمن یسن، فصل ۱، بند ۳ تا ۱۱).

عدد ۴ با مفهوم کلیت و تمامیت به آیین‌های عامیانه راه یافته است. درد آغازین زایش که کال درد (k.l. d rd) نامیده می‌شود، چندان سخت نیست. کودک در چهارمین درد زائو متولد می‌شد (پاینده لنگرودی، ۱۳۷۷: ۲۰)؛ یعنی بعد از چهار درد و طی کردن یک روند کامل درد است که کودک زاده می‌شود. در خراسان معتقدند زنی که فقط یک شکم زاییده باشد و دیگر حامله نشود، چل رویش افتاده و باید چله‌بری کنند. یک روز هنگامی که زن به حمام می‌رود، اقوام و دوستانش بدون اطلاع وی، پنهانی با جارو مقداری آب از چهار گوشه حمام جمع می‌کنند و به طور ناگهانی بر سر و روی او می‌پاشند (شکورزاده: ۱۲۴). آب را از چهار طرف حمام، یعنی از کلیت حمام جمع می‌کنند و در واقع همه جوانب را در نظر می‌گیرند.

همان‌طور که گفته شد در اغلب آیین‌هایی که عدد چهار در آنها وجود دارد، نوعی جستجو برای رسیدن به کمال و نظم جسمانی او و یا تلاش برای بارداری، یعنی کمالی که بیمار، یعنی کمال و نظم جسمانی او و یا تلاش برای بارداری، یعنی کمالی که یک زن می‌تواند به آن برسد. نکته قابل توجه دیگر این است که با توجه به یافته‌های مؤلف، نشانه‌ای از اهمیت عدد چهار در آیین‌های ازدواج و مرگ در محدوده شهرهای مورد بررسی این مقاله دیده نشده است و حضور این عدد تنها در آیین‌های تولد پررنگ است.

۲-۱-۳. عدد ۶

نظام‌های باستانی و نوافلاتونی عدد شش را تام‌ترین عدد دانسته‌اند (شیمل، ۱۳۸۸: ۱۳۵). این عدد ضریب سه مقدس است. عدد شش در متون اوستایی و فارسی میانه برای شش فصل سال یا گاهنبارها و شش آفرینش و شش امشاسپند استفاده شده است (آموزگار، ۱۳۸۸: ۴۴ و ۱۵). خرسه پا و همچنین اژی‌دهاک شش چشم دارند (هینلز، ۱۳۸۳: ۳۱ و ۸۲).

اما برخلاف مفهوم مثبت عدد ۶ در اساطیر ایرانی، این عدد در فرهنگ شفاهی مردم ایران صورت چندان مثبتی به خود نمی‌گیرد. بیشترین حضور عدد شش برای دور کردن موجودی به نام آل (۲) از زن زائو است. در ششمین شب تولد نوزاد، نباید او را بر زمین نهاد بلکه باید او را روی غربالی دمر شده خواباند و یا بغل کرد؛ و گرنه آل نوزاد را خواهد زد (کتیرایی، ۱۳۴۸: ۵۳). در شب شش بیچه که بر او اسم می‌نهند، نباید او را به زمین گذاشت و در آن شب شش‌انداز (۳) هم باید درست کرد (هدایت، ۱۳۱۲: ۳۹).

ظاهراً عدد شش در سنت اسلامی شکل منفی به خود گرفته است. از نظر عارفان و شاعران این جهان به مثابه قفسی مکعب می‌باشد که انسان در آن زندانی است و تلاش او برای رهایی از بند ۵ حس و ۴ عنصر تلاشی بیهوده است. شاعران فارسی این وضعیت را شش در می‌خواندند، یعنی وضعیت یک قمارباز در بازی تخته نرد که راه فرار مهره‌های او سد شده و دیگر امیدی برای برد او باقی نمانده است (شیمل، ۱۳۸۸: ۱۳۷). شاید همین بعد منفی بود که به آیین‌های رویارویی با آل راه یافت و در ششمین شب تولد زائو برای جلوگیری از آلودگی او مراسمی پدید آمد و جالب اینجاست که این مراسم رویارویی با آل تقریباً در تمام نقاط ایران با تغییرات اندکی در شب ششم تولد نوزاد برگزار می‌شود.

عدد هفت نه تنها در ایران کهن و امروزی، بلکه تقریباً در تمامی فرهنگ‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. این عدد به‌خصوص در بابل به دلیل پرستش هفت سیاره مقدس بوده است. در آیین میتراپی، آیین پیش زرتشتی، باور بر این بود که هفت فلک سیاره‌ای روح را به حضور الهی می‌رسانند. این صعود به طور نمادین با هفت دری که گزیدگان باید از آنها رد شوند، نشان داده می‌شد (همان: ۱۵۷). عدد هفت به صورت کاملاً پررنگ در اسطوره‌های ایرانی نیز دیده می‌شود. در اساطیر ایران باستان، هرمزد و شش امشاسپندان عدد هفت را تشکیل می‌دهند (آموزگار، ۱۳۸۸: ۱۵).

سلسله مراتب هفت‌گانه ظاهراً یکی از کلی‌ترین اندیشه‌ها در جهان ادیان است. نمونه آن نظر رویزبروک^۴ درباره هفت گام صعود عرفانی و نیز اشعار عطار در اواخر قرن دوازدهم در مورد سفر پرندگان روح از هفت دره نفس است (همان: ۱۵۹). شیمل اعتقاد دارد در پس وجود مراحل هفت‌گانه در بسیاری از طریقت‌ها، مفهوم قدیمی صعود از هفت فلک سیاره‌ای وجود دارد و در واقع این اعتقادات نجومی است که بر اهمیت این عدد تأثیر نهاده است.

در آیین‌های مربوط به تولد، گاه عدد هفت برای رهایی از شش روز اول تولد نوزاد که روزهای خطر به حساب می‌آیند (آل‌زدگی) و همچنین ماندگاری نوزاد و حفظ او از خطرهای به کار می‌رود. پمله پراز رسم‌های آیینی است که در غروب شب هفتم تولد نوزاد انجام می‌شود. اعتقاد بر این است که هر نوزاد همزادی دارد که در پی مرگ اوست. با انجام این آیین همزاد به اشتباه فکر می‌کند که کودک سوخته و از بین رفته و در نتیجه دیگر بر آزار او سعی نمی‌کند (فرزین و دیگران، ۱۳۷۴: ۲۲۰). در ماسال، واقع در استان گیلان برای پیشگیری از آل‌زدگی، هفت رشته نخ انتخاب کرده، هفت گره بدان می‌زدند. فاصله بین گره‌ها را می‌بریدند و تکه نخ‌های گره‌خورده را روی شکم زائو می‌بستند و هنگام حمام چله آن را از شکم وی باز می‌کردند (بشرا و غیره، ۱۳۸۹: ۳۴).

از تقدس عدد هفت در مراسم بخت‌گشایی دختران نیز استفاده می‌شده است. صبح روز چهارشنبه آخر سال، دختر بخت‌بسته به لب جوی آب می‌رود. هنگامی که به منزل رسید لخت شده، یک عدد کشک‌ساب را به صورت وارونه روی سرش می‌گذارد، هفت مرتبه دور حیاط می‌چرخد و در هر نوبت هفت بار می‌گوید: بختم باشد، بختم باشد! (شکورزاده: ۸۵).

در آیین‌های مربوط به ازدواج، تکرار عدد هفت همانند عدد ۳ به نوعی برای تقدس بخشی به کار می‌رود. قداست گسترده عدد هفت باعث حضور پررنگ آن در آیین‌های مربوط به ازدواج شده است تا به زندگی برکت بخشد. در مراسم عروسی، یکی از میان خواهر و برادر داماد، بستگان عروس و داماد، و یا آرایشگر عروس، دور کمر عروس را با دستمال، نوار، پارچه یا چادری بلند می‌بست. پارچه و دستمال را معمولاً هفت گره می‌زدند که به نیت هفت فرزند برای زوج جوان بود (همان: ۸۱).

حضور عدد هفت در آیین‌های مربوط به مرگ بسیار کمتر مشاهده شده است. اغلب مردان تا هفت روز ریش خود را اصلاح نمی‌کردند و هفت قدم به دنبال تابوت رفتن نیز در برخی مناطق اهمیت داشته است؛ به عنوان نمونه هنگامی که مرده را چال کردند، هفت قدم دور می‌شوند، سپس دوباره بر می‌گردند؛ چون اعتقاد دارند متوفی چشم به راه است (هدایت، ۱۳۱۲: ۵۱).

بررسی عدد هفت در آیین‌های گذر، از حضور بسیار پررنگ این عدد در آیین‌های بارداری و تولد، بلوغ و ازدواج حکایت دارد و در آیین‌های کفن و دفن کمتر مشاهده شده است. شاید دلیل این باشد که تقدس بخشی پیوندی ناگسستنی با زندگی مادی و معنوی انسان دارد و اغلب با مفاهیم مثبت همراه است. ذهن انسان معمولاً سعی می‌کند به چیزهایی که با آنها در ارتباط مداوم و روزانه است تقدس بخشد و از آنجایی که مرگ همواره مسئله‌ای دردناک برای بشر بوده، تقدس عدد هفت در این گونه آیین‌ها کمتر مشاهده می‌شود.

۲-۱-۵. عدد ۹

نه را می‌توان حاصل ضرب ۳ در ۳ در نظر گرفت. تقدس عدد سه در این ضریب نیز وجود دارد. دیونوسیوس دروغین، معتقد بود سلسله مراتب فرشتگان به نه دسته یا سه تا سه تایی طبقه‌بندی شده است: کمال در کمال، نظم در نظم، واحد در واحد (شوالیه و دیگران/۵، ۱۳۷۷: ۴۷۳).

در مزدایی‌گری، نماد عدد نه در زنداوستا دیده می‌شود، جایی که اعداد تزکیه‌کننده از ۳ بار تکرار سه‌گان تشکیل شده‌اند؛ بر باب نمونه اگر جامه‌ای چرمی با مردار سگ یا انسان تماس پیدا کرده و با چیزی غیر از منی یا خوی یا چرک یا قی‌آلوده شده باشد، باید آن را ۳ بار با ادرار، ۳ بار با خاک و ۳ بار با آب شست (رضی، ۱۳۸۵: فرگرد هفتم، بخش سوم، بند ۱۵). نظیر این تکرار سه‌گانه عدد ۳، در بسیاری از آیین‌های جادو و جادوگری نیز یافت می‌شود (شوالیه و دیگران/۵، ۱۳۷۷: ۴۷۷).

عدد نه در اسطوره‌های ایرانی دیده می‌شود؛ با این وجود به نظر می‌رسد حضور این عدد چندان پررنگ و مؤثر نبوده است که در آیین‌های ایرانی و به‌خصوص آیین‌های گذر وارد شود. تنها در آیین‌های اسلامی، سن بلوغ شرعی دختران نه سالگی است و در این سن برای دختران مسلمان جشن تکلیف برگزار می‌گردد (اسدیان، ۱۳۸۴: ۷۳). شاید این باور از آنجا ناشی شود که نه نشانه طول دوران حاملگی انسان و تکامل جنین نیز می‌باشد، در نتیجه به عنوان سن کمالی که دختران به هنگام رسیدن به آن بر عبادت مکلف می‌شوند در نظر گرفته شده است.

۱-۲-۶. عدد ۱۰

ده بیانگر مرگ، زندگی و تناوب آنهاست و حتی هم‌زیستی مرگ و زندگی وابسته به این ثنویت است (شوالیه و دیگران/۳، ۱۳۷۷: ۲۸۱).

در آیین‌های گذر ایرانی عدد ده تنها در مراسم مرتبط با زایمان و تولد مشاهده شده است. در برخی از روستاهای کوهستانی گیلان، به منظور حفاظت در برابر آلودگی، زن زائو باید تا ده روز، بندی بافته شده از موی بز بر کمر خود می‌بست (بشرا و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۲). شاید هم‌زیستی مرگ و زندگی در کنار هم است که باعث شده روز دهم بعد از تولد به نوعی در آیین‌های ایرانی زمان دور شدن از خطر مرگ و نویددهنده زندگی بدون خطر برای نوزاد باشد.

۱-۲-۷. عدد ۱۴

در میان اعداد قمری مهم، عدد چهارده جالب توجه است، زیرا چهارده روز طول می‌کشد تا ماه بدر شود. در اساطیر بابلی چهارده خدا وجود دارند که نرگال را به جهان زیرین برمی‌گردانند و این موضوع شاید از تعداد روزهای کامل شدن ماه نشان داشته باشد (شیمل، ۱۳۸۸: ۲۳۳).

در فرهنگ عامیانه ایران، عدد چهارده بیشتر با زیبایی، کمال، و بلوغ ارتباط دارد. در شعر و ادبیات عامه لرستان، سن بلوغ جسمانی و جنسی دختران چهارده سال استنباط می‌شود، شعرهایی از زبان عاشقان ایلی وجود دارد که به ماه بدر اشارت دارند. می‌دانیم که بدر ماه، شب چهاردهم است و این خود کنایتی به محبوب چهارده ساله تواند بود. در میان تاجیک‌های دره زرافشان، هنگامی که پسر یک خانواده به سن دوازده تا چهارده سالگی می‌رسید، پدر او بابای دهقان و همسایگان را به میهمانی دعوت می‌کرد (کراسنولسکا، ۱۳۸۲: ۱۵۵).

قمر در شب چهاردهم، هر ماه به صورت قرص کامل در می‌آید و به بیانی به اوج زیبایی و شکوه خود می‌رسد. ارتباط عدد چهارده با بلوغ شاید به همین مسئله

مربوط می‌شود؛ به این معنا که در چهارده سالگی، انسان را همانند ماه شب چهارده زیبا می‌دانند و زیبایی او را در این سن، اوج کمال ممکن در نظر می‌گیرند.

این عدد همچنین مضربی از عدد هفت می‌باشد که همان‌طور که بالاتر گفته شد مفهومی از تقدس را با خود به همراه دارد.

۲-۱-۸. عدد ۱۵

عدد پانزده نشان‌دهنده اوج قدرت قمری است (شیمل، ۱۳۸۸: ۲۳۷). عدد پانزده ضربی از سه بوده، در تقسیمات ماه دیده می‌شود. زمانی تقسیم پانزده روزه ماه در ایران و هند متداول بوده است؛ همچنین در متون اوستایی و میانه به خصوص سن پانزده سالگی زیاد به کار رفته است که نشان‌دهنده سن آرمانی و شروع دوره جوانی است؛ به عنوان مثال مشی و مشیانه هنگامی که از زمین رویدند، پانزده برگ داشتند که از سن آنها در آن هنگام نشان داشت (آموزگار، ۱۳۸۸: ۴۹) و یا یکی از تجسم‌های ایزد بهرام، مردی در سن آرمانی پانزده سالگی است. (همان: ۲۷).

با این وجود عدد پانزده در آیین‌های گذر ایرانی چندان مشاهده نشده است و تنها موردی که نگارنده یافت کرده، مربوط به آیین زرتشتی است. سن بلوغ در زرتشتیان پانزده سالگی است (اسدیان، ۱۳۸۴: ۷۴) و کشتی‌بندان و سدره‌پوشی در سن ۷ تا ۱۵ سالگی انجام می‌گیرد (مزدآپور، ۱۳۶۹: ۷۱ تا ۷۶).

۲-۱-۹. عدد ۲۱

بسیاری از محققان همانند شیمل بر این باورند که بیست و یک به کمال اشاره دارد، زیرا حاصل ضرب اعداد مقدس ۷ و ۳ است. اوستا به بیست و یک نسک تقسیم شده و تعداد رودهایی که در بندهش از آنها نام برده شده، بیست و یک است (گران، ۱۳۸۱: ۳۲).

عدد بیست و یک در اوستا و نیز در وداها بسیار دیده شده است و این مسئله خود حکایت از ریشه هندوایرانی این عدد دارد، اما در آیین‌های گذر مردم ایران، عدد بیست و یک چندان مشاهده نشده و اهمیت اساطیری آن به دوره کنونی منتقل نگشته است. یکی از نمونه‌های معدود حضور این عدد، آیینی است که برای جلوگیری از سقط جنین انجام می‌شود و در آن نخی هفت‌لا به رنگ زرد و سرخ را به قد و قامت زن حامله می‌برند، سپس آن را بیست و یک گره می‌زنند، در هر بار افسونی بر آن می‌خوانند و در نهایت نخ را به کمر زن حامله می‌بندند (شکورزاده، ۱۳۶۳: ۶۰۸).

عدد چهل نشانه به پایان رسیدن یک دور تاریخ است، دوری که نه فقط به تکرار، بلکه به تغییری اساسی و گذر از نظام عملی از یک زندگی به زندگی دیگر منتهی می‌شود (شوالیه و دیگران، ۱۳۸۵: ۵۷۶). عدد چهل در متون اوستایی و میانه و جدید در موارد مختلف استفاده شده است؛ از جمله برای زمان و طول مدت، بسیار به کار رفته است.

خداوند حضرت موسی و محمد را در چهل سالگی فراخواند، بیعت با نوح چهل روز پس از طوفان رخ داد، موسی چهل روز بر طور سینا ماند، مدت موعظه عیسی چهل ماه بود و در طول چهل روز بر حواریون ظاهر شد و عروج او از قبر پس از چهل ساعت رخ داد. اصطلاح چله در اعمال زاهدانه صوفیان برای تفکر در یک دوره چهل روزه گوشه‌نشینی و روزه‌داری به کار برده می‌شود. همچنین در آیین‌های مردمی، چله، دوره چهل روزه‌ای است که شخص و موجودیت او با یک وضع مهم و حساس برخورد پیدا می‌کند.

چل افتادن بر روی زن و چله‌بری از آیین‌های بسیار رایج در بیشتر نقاط سرزمین ایران است. معتقدند اگر زنی فقط یک شکم زاییده باشد و دیگر حامله نشود، چل رویش افتاده و باید چله‌بری کنند. او را به همراه زائویی به حمام برده، روبه‌روی او می‌نشانند، سپس چهل مشت آب از خزانه برداشته و در ظرفی می‌ریزند و در کنار او و زن زائو می‌گذارند و سپس مراسم چله‌بری را انجام می‌دهند (شکورزاده: ۱۲۴).

در آیین‌های مربوط به تولد، یکی از کاربردهای عدد چهل همانند اعداد ۳ و ۷، دور نگه داشتن آل از زن زائو و نوزاد وی و به طور کلی حفظ سلامت این دو از خطرهایست. به طور کلی اعتقاد بر این بوده است که زن زائو و نوزاد وی بهتر است تا چهل روز از خانه خارج نشوند. درباره نوزاد نیز عقیده دارند که ممکن است نظر در او کارگر شده و طفل را از پا در آورد؛ از این رو گاهی به گردن کودک چهل بسم‌الله آویزان می‌نمایند (علامه، ۱۳۳۸: ۱۱۸).

عدد چهل در مراسم عروسی بسیار کم دیده شده است و تنها نمونه آن، استفاده از دم‌کرده چهل گیاه هم برای زن زائو و هم برای عروس و داماد است. با همان کله‌قندی که با قیچی بالای سر عروس می‌شکنند، برای عروس و داماد چای چهل گیاه دم می‌کنند (بشرا و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۷).

در مراسم ختم نیز روز چهلیم فوت، برای پایان دادن به دوره غم و اندوه و عزاداری به کار گرفته می‌شود. در چهلمین روز درگذشت متوفی، مراسم برگزار

می‌شود. در فریدن لرهای عزادار پس از مراسم چهلم، پیراهن سیاه را از تن آشنایان بیرون می‌آورند (عسکری خانقاه، ۱۳۸۰: ۲۶۰).

همان‌طور که گفته شد در سنت‌های مختلف، عدد چهل را کمال مرحله‌ای از زندگی می‌دانستند و شاید به همین دلیل در آیین‌های گذر که مربوط به مراحل مختلف زندگی اعم از تولد، ازدواج و مرگ است این آیین به فراوانی دیده می‌شود؛ به خصوص در چهلمین روز پس از تولد و چهلمین روز پس از مرگ، آیین‌های بسیاری وجود دارد.

۳. نتیجه

با بررسی فرهنگ عامیانه ایران و حضور اعداد در آن می‌توان گفت در آیین‌های گذر ایرانی، تقدس اسطوره‌ای یک عدد بر اهمیت و حضور آن در فرهنگ عامیانه ایرانی اثر نهاده است. اغلب اعدادی که امروزه در آیین‌های گذر دیده می‌شوند، حضور پررنگی در اساطیر ایرانی و آداب و رسوم ایرانیان کهن دارند. در این میان برخی از آیین‌ها و دوره‌های گذر با اعداد بیشتر رنگ تقدیس به خود گرفته‌اند و برخی دیگر کمتر.

از میان سه دوره مورد بررسی در این پژوهش (تولد، ازدواج و مرگ)، اعداد در آداب و رسوم مربوط به نازایی، زایمان و تولد نقش بسیار پررنگی ایفا می‌کنند. عدد سه در مراسم مربوط به نازایی، گهواره‌بندان نوزاد، چله‌بران و نام‌گذاری کودک بسیار با اهمیت است. عدد چهار در چله‌بری، عدد شش و هفت و ده در مراسم مقابله با آل‌زدگی، عدد نه در مراسم بلوغ شرعی اسلامی، عدد پانزده در مراسم بلوغ شرعی زرتشتی، و عدد بیست و یک در آیین‌های جلوگیری از سقط جنین کاربرد داشته‌اند.

در مراسم مربوط به ازدواج تقدس عدد سه دیده می‌شود، اما این عدد هفت است که در اغلب آیین‌های بخت‌گشایی و ازدواج حضور گسترده دارد. از باقی اعداد نشانه‌های قابل توجهی در این قسم از آیین‌ها دیده نمی‌شود.

در آیین‌های مربوط به عزاداری، عدد سه با اهمیت‌ترین عدد است. مراسم ختم بعد از سه روز انجام می‌شود، تا سه شب مرده را تنها نمی‌گذارند، تابوت را سه بار تا رسیدن به گورستان بر زمین نهاده، آن را سه مرتبه دور خانه متوفی می‌گردانند. عدد چهل نیز در مراسم عزاداری دیده می‌شود و بیانگر پایان یک دوره از زندگی فرد است. اعداد در آیین‌های گذر، همانند دیگر آیین‌های عامیانه، با زندگی اجتماعی انسان‌ها درهم تنیده‌اند.

یادداشت‌ها

۱. محمودی، خیرالله، (۱۳۸۴)، جایگاه عدد ۳ در آیین‌ها و فرهنگ ایرانیان باستان، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و دوم، شماره اول
۲. آل در لغت نامه دهخدا، ماده دیو و پری بدکار معنی شده که در شب ششم زایمان جگر زائو را می‌برد و او را هلاک می‌کند. (دهخدا، جلد اول، ذیل آل)
۳. نوعی از خورش که از تخم ماکیان با پیاز ترتیب دهند. (دهخدا، جلد ۳۰، ۱۳۴۱: ۳۶۸، به نقل از ناظم الاطبا)
۴. Jan van Ruysbroek (1293-1381)

کتابنامه

۱. آموزگار، ژاله. (۱۳۸۸). تاریخ اساطیری ایران. تهران: انتشارات سمت، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۲. اسدیان، محمد. (۱۳۸۴). آیین‌های گذر در ایران. تهران: روشنان.
۳. الیاده، میرچا. (۱۳۷۵). مقدس و نامقدس. ترجمه نصرالله زنگویی. تهران: سروش.
۴. بشرا، محمد و طاهر طاهری. (۱۳۸۹). آیین‌های گذر در گیلان. رشت: فرهنگ ایلیا.
۵. بقایی (ماکان)، محمد. (۱۳۸۴). «سیزده‌به‌در و رمز و رازهایش». مجله حافظ. شماره ۱۳.
۶. بهار، مهرداد. (۱۳۷۵). پژوهشی در اساطیر ایران. ویراستاری کتابیون مزداپور. تهران: آگاه.
۷. حسینی شکرایی، احترامالسادات. (۱۳۸۹). بررسی نقش اعداد از باستان تا کنون. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۸. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه (جلد اول). تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
۹. رضی، هاشم. (۱۳۸۵). کتاب مغان و ندیداد. تهران: بهجت.
۱۰. رنجبر، حسین و دیگران. (۱۳۷۳). سرزمین و فرهنگ مردم ایزدخواست. اهواز: انتشارات مؤسسه فرهنگی آیات.
۱۱. شادابی، سعید. (۱۳۷۷). فرهنگ مردم لرستان. خرم‌آباد: انتشارات افلاک.
۱۲. شکورزاده، ابراهیم. (۱۳۶۳). عقاید و رسوم مردم خراسان. تهران: انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
۱۳. شوالیه، ژان و آلن گریبران. (۱۳۸۵). فرهنگ نمادها. ترجمه و تحقیق: سودابه فضایی (جلد ۲، ۳، ۴ و ۵) تهران: جیحون.
۱۴. شیمل، آنه ماری. (۱۳۸۸). راز اعداد. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.

۱۶ / نقش اعداد در آیین‌های گذر ایرانی...

۱۵. عبدلی، علی. (۱۳۶۹). **مطالبی در زمینه تاریخ، فرهنگ و جامعه تات‌ها و تالشان**. تهران: ققنوس.
۱۶. عسکری خانقاه، اصغر. (۱۳۸۰). **فرهنگ و زیست**. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۷. علامه، صمصام‌الدین. (۱۳۸۸). **یادگار فرهنگ آمل**. تهران: چاپ تابان.
۱۸. فرزین و دیگران. (۱۳۷۴). **مردم‌نگاری شهرستان بروجرد**. تهران: سازمان میراث فرهنگی (آرشیو پژوهشکده مردم‌شناسی).
۱۹. کتیرایی، محمود. (۱۳۴۸). **از خشت تا خشت**. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.

